

چه بر سر پیکر رضاشاه خواهد آمد؟

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
چهارشنبه ۰۵ ارد بهشت ۱۳۹۷ ساعت ۲۰:۳۲



رژیم روضه خوانان چه برنامه ای برای پیکر مومیایی رضاشاه در سر می پروراند و در مقابل، وظیفه ما ایرانیان در پاسداری از آن چیست؟

۱ - پیکر مومیایی رضاشاه، کابوسی برای جمهوری اسلامی و همه ایرانستیزان!



با پیدا شدن پیکر مومیای رضاشاه بزرگ، 'پدر ایران نوین'، در ۵۰ متری آرامگاه پیشین اش که بدست روضه خوان صادق خلخالی، معروف به 'قصاب انقلاب' نابود شده بود، اکنون برای جمهوری اسلامی آنچنان دردسرساز و مبدل به کابوسی شده است که سران رژیم همچون مرغی سرکنده نمی دانند با آن چگونه برخورد کنند! این پیکر مومیای در عمق ۵ متری و در محفظه ای بتونی به شکل یک آرامگاه کوچک قرار داشته است!

بجز جمهوری اسلامی، نیز برای همه $\square$ ایرانستانخواهان [تجزیه طلبان/نفرت پراکنان قومی] و ایرانفروشان [مزدوران بیگانه] هم کابوسی شده است. زیرا که این خبر، دروغ های آنان را که از طریق تارنماهای گوناگون ایرانی تحت نام باصطلاح دفاع از حقوق بشر پخش می شد را تحت الشعاع قرار داده و بی اثر ساخته است؛ از جمله گروه های تروریستی موسوم به "الاحوازی"، که برنامه پیاسازی تنش دیگری را در استان خوزستان همزمان با سالروز تاجگذاری رضاشاه را در سر پروانده بودند، که اینک با ناکامی روبرو شده اند! گویی که نیرویی اهورایی، رضاشاه را باری دیگر برای شکست دشمنان ایران به مام میهن بازگردانده است.

۲ - برخورد رژیم با پیدا شدن پیکر رضاشاه

تا این زمان گزارش های ضدونقیضی درباره پیدا شدن پیکر رضاشاه از سوی رژیم پخش شده است. برخی همچون سران نظام با آنکه خاموشی پیشه کرده اند که خود تأییدی بر پیدا شدن پیکر رضاشاه است، ولی از طریق رسانه های تحت کنترل خود تلاش نموده اند تا آن را دروغ و شایعه اعلام کنند، شاید از این راه بمرور زمان بدست فراموشی سپرده شود؛ و برخی دیگر با تأیید آن، تلاش کرده اند تا ثابت کنند که این مومیایی متعلق به رضاشاه نیست.

نخست، مصطفی آجرلو معاون تبلیغات و ارتباطات حرم عبدالعظیم، که مانند همه مذهبیون دروغ و دروغگویی بخشی از نهاد و سرشت آنان است، اعلام کرده بود:

"جسد کشفشده باقیمانده از یک جسد طبیعی است، هیچ جسد مومیایی در این منطقه به دست نیامده است، حتی چهره آن قابل تشخیص نبوده و شایعه پخش شده در خصوص بقایای این جسد صرفاً ساخته شده فضای مجازی است!"



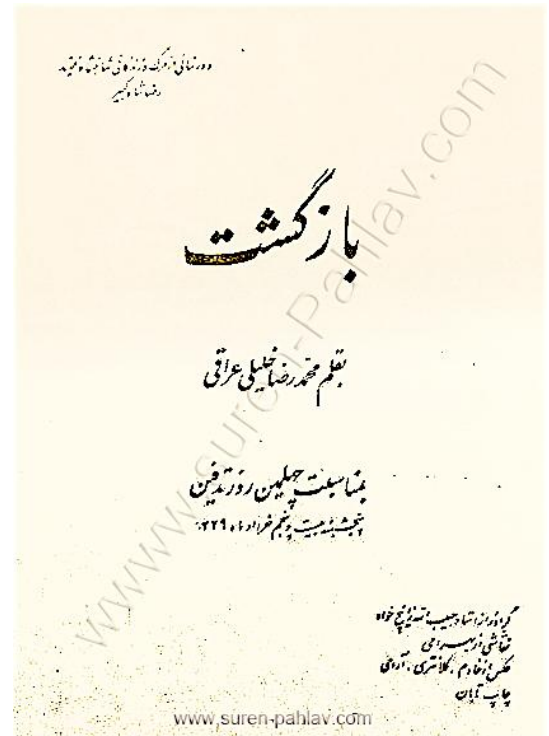
ولی تصاویر پخش شده در رسانه های اجتماعی از جمله سلفی راننده بولدوزر، پرده از دروغ او برداشته است.

نیز، خسرو معتضد که در زمان پیش از انقلاب انگلیسی-آمریکایی سال ۵۷، روزنامه نگار و از مداحان نظام پیشین بود و امروز با تغییر رنگ، انقلابی و مداح نظام اسلامی و معجزه وار کارشناس و استاد تاریخ(!) شده است، برای دور ساختن افکار عمومی و اثبات اینکه مومیایی متعلق به رضاشاه نیست، مدعی شده است که محمدرضا شاه دو روز پیش از ترک ایران، پیکر رضاشاه را از آرامگاه برون آورده و با خود به لس آنجلس برده بود و هم اکنون در مسجد رفاهی در مصر است! [۱]

خبر دروغ خروج پیکر رضاشاه از ایران را صادق خلخالی ساخته بود تا سرپوشی شود برای ناکامی خود، زیرا که پس از تلاش بیست روزه (اردیبهشت ۱۳۵۹) در نابودی آرامگاه نتوانسته بود پیکر رضاشاه را پیدا کند! تا بسوزاند؛ و اکنون خسرو معتضد بدون ارائه مدرک و سند آن را بازگو می کند! از گور درآوردن و سوزاندن مردگان، یک روش ویژه اعراب صدراسلام بوده است. [۲]

از سوی دیگر، شخصی بنام عبدالله شهبازی که در ایران اسلامی قحط الرجال زده، بدون تحصیلات دانشگاهی یک شبه پژوهشگر و کارشناس و استاد تاریخ(!) شده است، با اعلام اینکه پس از بازگشت پیکر رضاشاه به ایران در اردیبهشت ۱۳۲۹، "طبق مراسم اسلامی و بدون لباس و با کفن دفن" شده است. [۳، ۴] او با اظهار فضل و برخ کشیدن معلومات سطحی خود درباره شیوه های مومیایی شدن، مذبوحانه تلاش می کند تا ثابت کند پیکر پیدا شده یک مومیایی است، ولی متعلق به رضاشاه نیست، تا خسرو معتضد، راه را برای نظام باز گذارد تا بتواند هر بلایی که بخواهد بر سر آن در آورد.

ادعای کفن و دفن شدن رضاشاه به روش اسلامی تنها در یک منبع و در کتاب "بازگشت" نوشته محمدرضا خلیلی عراقی اشاره شده است که بمناسبت چهلمین روز خاکسپاری رضاشاه در روز ۲۶ خرداد ماه ۱۳۲۹ چاپ شده بود.

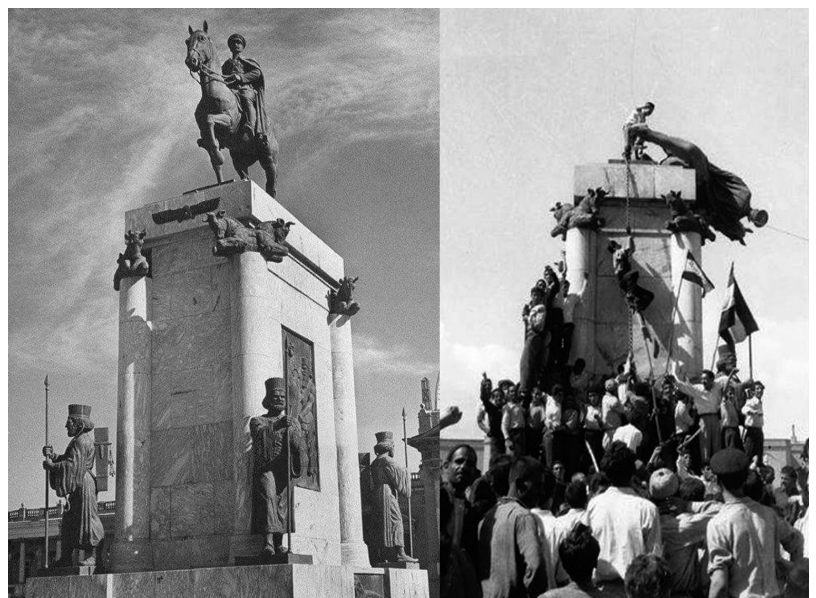


آن کتاب گزارش می دهد که کالبد رضاشاه پس از مومیایی شدن در مصر، به روش اسلامی کفن شده بود. آن کتاب می افزاید پس از ورود پیکر رضاشاه به ایران در اردیبهشت سال ۱۳۲۹، بخاطر تغییر رنگ کفن و رخسار، کفن نو گشته و سپس بخاک سپرده شده بود! ولی ادعای آن کتاب را نمی توان باور کرد، به یک شوند [علت]. اگر قرار بود که رضاشاه بر اساس قوانین اسلامی کفن و دفن شود، بطور کل پیکرش مومیایی نمی شد. مومیایی شدن بر خلاف اصول اسلامی است، بویژه آنکه رضاشاه هیچ گرایش اسلامی نداشت. بنابراین در همان آفریقای جنوبی بدون مومیایی شدن در گورستان مسلمانان یا خود مصر همانند مسلمانان بصورت امانت بخاک سپرده می شد! تنها توضیح منطقی که می توان ارائه داد، اکثریت مردم ایران در سال ۱۳۲۹ بیسواد و خرافاتی و تحت تاثیر روضه خوانان دشمن سرسخت رضاشاه قرار داشته و نیز دشمنان دیگر او از جمله جبهه ملی، مزدوران انگلیس و روس در پی بهانه ای برای زیر کشان شاه جوان از سلطنت بودند، که می توان گمان داد شاه جوان یا مشاورانش برای خنثی نمودن حملات و دشمنی های آنان، خبر کفن و دفن به روش اسلامی پخش کرده باشند!

نیز انگیزه ای که پس از درگذشت رضاشاه در روز چهارم مرداد ۱۳۲۳، کالبدش به ایران برای خاکسپاری فرستاده نشد تا به خاک سپرده شود، ایران در اشغال انگلیسی ها و روس ها بود و انگلیسی ها اجازه ورود کالبدش را به ایران ندادند، که شاه جوان وادار شده بود او را به مصر منتقل و پس از مومیایی کردن در آنجا به امانت بگذارد. انگلستان همین کار بر سر کالبد های امیر کبیر و رئیسعلی دلواری در آورد و تحت ادعای دروغ که وصیت کرده اند در عراق خاک شوند، از خاکسپاریشان در ایران جلوگیری کرد، تا مبادا انگیزه ای شود ملت ایران بر علیه استثمار انگلستان که ایران قاجاری را تحت کنترل خود داشتند، بپاخیزند!

بهر روی، این پیکر مومیایی، چه از لحاظ شباهت با عکس مومیایی شده پیکر رضاشاه در لباس نظامی و نیز محل پیدا شدنش، در ۵۰ متری آرامگاه پیشین اش، در عمق ۵ متری که در درون یک محفظه بتونی که به شکل یک آرامگاه ساخته شده است قرار داشته است. نیز، بر اساس گفته یکی از دوستان و همکاران باستانشناس در تهران که بخاطر مسایل امنیتی نام را نمی توانم ذکر کنم، اشیایی همچون شمشیر و مدال، همراه پیکر مومیایی بدست آمده و هم اکنون در اختیار مسئولان نظام قرار گرفته اند. در نتیجه با در دست داشتن این شواهد، می توان با قاطعیت اعلام کرد که پیکر مومیایی یافت شده، متعلق به رضاشاه بزرگ است. افزون بر آنکه، بر اساس گفته محمد معظمی، رئیس پیشین موزه و کتابخانه عبدالعظیم که در نخستین همایش ریشناسی در سال ۱۳۷۷، از پدر خود (مؤذن عبدالعظیم) نقل قول کرده بود:

”وقتی فرح یا دیگر خاندان شاه به مقبره رضاشاه می آمدند، آنها را به مقبره های که همه میبینند نمیبردیم، چون جنازه آنجا نبود. نزدیکان میدانستند که قبر اصلی جای دیگری است.“



این سخن نشانگر آنست که آرامگاه در سال های پیش از فتنه ۵۷ و به گمان زیاد پس از امرداد سال ۱۳۳۲ ساخته شده است. در روز ۲۶ امرداد سال ۱۳۳۲، ارادل و اوباش مصدقی، واپسگرایان مذهبی و دیگر دست نشانده روس و انگلیس، به به مجسمه های رضاشاه یورش برده و زمزمه یورش به آرامگاه او هم بر زبان آمده بود؛ - که می توان گمان داد، پس از رفع خطر از کشور و سقوط دادن دولت غیر قانونی محمدرضاخان مصدق السلطنه قجر، شاه فقید این تدبیر را اندیشیده تا هر گونه خطری را در آینده از پیکر او دور سازد.

افزون بر آنکه شاهزاده رضایپهلوی نخست در پیامی در توئیتر و سپس در بیانیه ای، پیکر مومیایی پیدا شده را متعلق به رضاشاه را اعلام و هر گونه شک و شبهه ای را رفع نموده است. [[۵]]

”هممیهنان عزیزم،

در ارتباط با پیکر پیداشده در محل آرامگاه تخریبشده رضاشاه در شهری، نکات زیر را به اطلاع شما میرسانم:

۱) از همان نخستین ساعات انتشار خبر، پیگیریهای من و خانوادهم برای بررسی صحت و سقم ماجرا آغاز شد. اینک، پس از بررسی تمام شواهد و جوانب، ما به این نتیجه رسیدهایم که پیکر پیداشده به احتمال بسیار قوی به رضاشاه تعلق دارد.



پیام شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با پیکر پیداشده در محل آرامگاه تخریب شده رضاشاه

هم‌میهنان عزیزم،

در ارتباط با پیکر پیداشده در محل آرامگاه تخریب شده رضاشاه در شهری، نکات زیر را به اطلاع شما می‌رسانم:

(۱) از همان نخستین ساعات انتشار خبر، پیگیری‌های من و خانواده‌ام برای بررسی صحت و سقم ماجرا آغاز شد. اینک، پس از بررسی تمام شواهد و جوانب، ما به این نتیجه رسیده‌ایم که پیکر پیداشده به احتمال بسیار قوی به رضاشاه تعلق دارد.

(۲) ما تأکید می‌کنیم که پیکر رضاشاه هرگز توسط پدر فقیدم و خانواده پهلوی از آرامگاهش در شهری خارج نشد و برخی شایعات منتشرشده در این خصوص هیچ پایه و اساسی ندارد.

(۳) ما از حکومت کنونی و مقامات مسوول می‌خواهیم تا برای روشن شدن اذهان عمومی، و رفع هرگونه ابهام، امکان دسترسی به پیکر را به پزشکان و کارشناسان علمی مورد اعتماد و تایید خانواده بدهند.

(۴) پیکر رضاشاه در نهایت باید دوباره در ایران و مطابق خواسته‌های خانواده ما و مردم ایران، آن‌گونه که شایسته و سزوار او است، به خاک سپرده شود. آرامگاه رضاشاه -اگر نه به‌عنوان پدر ایران نوین یا یک پادشاه- بلکه تنها به عنوان یک سرباز و خدمت‌گزار ملت و میهن، باید نشان داشته باشد و برای همگان شناخته شده باشد.

(۵) این موضوع، نه فقط یک مسأله شخصی یا خانوادگی بلکه موضوعی با ابعاد ملی و تاریخی است. رضاشاه به همه مردم ایران و دوستدارانش تعلق دارد. از این رو، از همه مردم ایران به عنوان نگاه‌بانان حقیقی میراث او تقاضا دارم تا از طریق شبکه‌های اجتماعی و نیز تجمعات مسالمت‌آمیز سراسری، یاد و نامش را گرامی بدارند و به ما در پاسخ‌گو کردن حکومت، و به سرانجام رساندن مناسب و شفاف ماجرا کمک کنند.

پاینده ایران

رضا پهلوی

(۲) ما تأکید می‌کنیم که پیکر رضاشاه هرگز توسط پدر فقیدم و خانواده پهلوی از آرامگاهش در شهری خارج نشد و برخی شایعات منتشرشده در این خصوص هیچ پایه و اساسی ندارد.

(۳) ما از حکومت کنونی و مقامات مسوول می‌خواهیم تا برای روشن شدن اذهان عمومی، و رفع هرگونه ابهام، امکان دسترسی به پیکر را به پزشکان و کارشناسان علمی مورد اعتماد و تایید خانواده بدهند.

(۴) پیکر پیکر رضاشاه در نهایت باید دوباره در ایران و مطابق خواسته‌های خانواده ما و مردم ایران، آن‌گونه که شایسته و سزوار او است، به خاک سپرده شود. آرامگاه رضاشاه -اگر نه به‌عنوان پدر ایران نوین یا یک پادشاه- بلکه تنها به عنوان یک سرباز و خدمت‌گزار ملت و میهن، باید نشان داشته باشد و برای همگان شناخته شده باشد.

(۵) این موضوع، نه فقط یک مسأله شخصی یا خانوادگی بلکه موضوعی با ابعاد ملی و تاریخی است. پیکر رضاشاه به همه مردم ایران و دوستدارانش تعلق دارد. از این رو، از همه مردم ایران به عنوان نگاهبانان حقیقی میراث او تقاضا دارم تا از طریق شبکه‌های اجتماعی و نیز تجمعات مسالمت‌آمیز سراسری، یاد و نامش را گرامی بدارند و به ما در پاسخگو کردن حکومت، و به سرانجام رساندن مناسب و شفاف ماجرا کمک کنند.

پاینده ایران

رضا پهلوی"

در اینجا نیز جای دارد تا به نابودی آرامگاه رضاشاه توسط قصاب انقلاب و عوام زورمند اشاره شود، که بر خلاف ادعاهای امروز رسانه‌های وابسته به نظام، که در تلاشی کودکانه در پی آوردن تا لباس انسانیت و تجدد بر جسد مُرده روح الله خمینی بپوشانند، مدعی شده‌اند که او مخالف نابودیش بوده است! ولی صادق خلخالی در خاطرات خود فاش می‌کند که با آگاهی و تأیید او انجام داده است: [[۶]]

"ما به دفتر امام رفته‌یم و طبق معمول، از هر دری سخن به میان آمد و گفته شد: زمان آن فرا رسیده است که مقبره پهلوی خراب شود. این‌ام مصادف بود با ورود مجدد شاه به مصر، سادات با پناه دادن به شاه، می‌خواست او را در بازگشت به ایران کمک کند؛"

و سپس می افزاید:

... کمی بعد، جناب آقای حاج احمد آقا خم نی، برای د دن مقبره و در واقع، برای تقو مت روح ۱۴ نجانب به آنجا آمد و افراد مستقر در آن محل را تشو ق کرد و با ا ن عمل خود، فهماند که امام با تخر ب مقبره، مخالفتی ندارند و ا ن امر، بی اندازه موجب تقو مت ما شد."

و پس از نابودی آرامگاه قید می کند:

"... امام امت، خمینی کبیر، بیان داشت که کارهای خلخالی در رابطه با تخریب مقبره پهلوی، خیلی خوب و به جا بوده است. همین بیانات امام، موجب شد که دهن ها بسته شود و دیگر، کسی در این باره پشت سر ما حرف نزنند."

نیز خود خمینی پس از نابودی آرامگاه در دیدار با اعضای شورای اسلامی کارگران و پرسنل ارتش، به صراحت کار خلخالی را تایید کرده و گفته بود:

"چند روز پیش از این، در حضرت عبدالعظیم ... غیر آن کاری که آقای خلخالی کرد، آن مطلب صحیحی بود..."

۳ - چه بر سر پیکر رضاشاه خواهد آمد؟

از درون ایران دو صدای مخالف در باره سرنوشت پیکر رضاشاه بگوش می رسد؛ دسته نخست که خواهان نگهداری پیکر رضاشاه می باشند؛ و دسته دوم، که تندروان مذهبی و عوام زورمند (اراذل و اوباش دولتی) هستند، خواهان نابودیش شده اند.

محسن رنانی عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان در تلگرام خود، با پخش مطلبی با عنوان "با پیکر رضاشاه چه کنیم؟ توسعه، با کتمان تاریخ یا تکریم سرمایه؟"، با دلسوزی و حتی هندوانه در زیر بغل روضه خوانان گذاردن، تلاش کرده است تا سران رژیم را ترغیب نماید تا از نابودی پیکر رضاشاه چشم پوشی کنند. [[۷]] و محمدعلی آهنگران (فرزند صادق آهنگران، از مداحان زمان جنگ) در یادداشتی در تلگرام خود در پشتیبانی از نگهداری پیکر رضاشاه نوشته است: [[۸]]

"پیکر مومیایی شده در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی چه پیکر رضا شاه باشد یا نباشد جنازه یک انسان است. رضا شاه خوب یا بد، خادم یا خائن، نیکوکار یا گناهکار، صالح یا فاسد یک انسان مسلمان بوده است. حکم شرعی نسبت به پیکر او که واجبی کفایی است آن است که با احترام غسل و کفن شود اگر بر جنازه او نماز خوانده نشده نماز خوانده شود اگر واقعا این پیکر پیکر رضا شاه باشد برابر احکام شرعی ولی میت، اختیاردار دفن او است، بدین معنا که نسبت به تجهیز میت بر دیگران اولویت داد. مراد از ولی میت کسی است که در ارث بردن از او بر دیگران مقدم است مراد از اولویت، عدم جواز پیشی گرفتن دیگران بر ولی بدون اذن او است. پس باید از نوادگان حی و حاضر اوجازه گرفته شود. باید با احترام دفن شود و از تعدی به پیکر و قبر او جلوگیری گردد. اینها که گفتم حکم لایتنیر شرعی و دستور خداست که باید اجرا گردد. اینکه آیا رضا شاه حاکم و سلطان خوبی بود یا نه حکمی است که آیندگان درباره او قضاوت خواهند کرد کما اینکه درباره پیشینیان نیز همین شد."

و آخوند السید حسین خادهمیان، در واکنش به آهنگران، پرخاشجویانه نوشته است:

”اخیرا فردی که با متون فقهایی بیگانه است و سابقه وی خبر از تلاش برای شادی لَمّة الله طان می دهد اعلان نموده: اگر جسد پیدا شده در شهر ری، مربوط به رضا پهلوی ملعون هم باشد؛ چون مسلمان است؛ باید به اولیای میت سپرده؛ غسل و کفن شده و بر آن نماز بخوانند!! عموم امت بدانند: رضا پهلوی ملعون معدوم، به جهت انکار ضروریات دین و مذهب و مقابله با معالم دین و مذهب، مرتد و کافر است و حکم میت مسلمان را نداشته و کسی حق ندارد او را در قبرستان مسلمین دفن نماید.“

همچنین ادعا شده است که برخی از عوام زورمند، از جمله بسیجی های دانشگاه صادق، خواهان سوزاندن پیکر رضاشاه شده اند. با آنکه سندی در تائید این ادعا در دست نیست ولی با اندیشه های داعشی و ضدایرانی این عده بدور دیده نمی شود که خواهان چنین کار ناشایست و غیرانسانی شده باشند!

بهر روی، امروز ما ایرانیان با یک حقیقت تلخ روبرو هستیم و آن اینست که جمهوری اسلامی هیچ ارزش و احترامی برای ملت ایران قائل نیست؛ در نتیجه هر بلایی که بخواهد بر سر آن پیکر رضاشاه خواهد آورد و ملت ایران همانند چهار دهه گذشته توان جلوگیری از آن را ندارد، ولی این شوندی نیست که سرن رژیم از خشم مردم نترسند!

بنابراین، به باور این نگارنده، در این برهه زمانی رژیم حرکت ناشایستی انجام نخواهد داد، زیرا که هراسمند است جرقه خیزش ملی دیگری همچون دیمه سال پیش زده شود و ملت بساط دکان استبداد مذهبی شان را برچینند، بدینروی رژیم وادار خواهد شد تا در ”ظاهر“ مومیایی را نابود نسازد و حتا به موزه ای برای نگهداری یا بخاک بسپارد! ولی بدون هیچ گمانی، پس از چند روز یا چند هفته، اراذل و اوباش دولتی را به حرکت در آورده و با صحنه سازی آنرا نابود خواهند کرد، که به گمان زیاد به شیوه نیاکانشان در شنزارهای نجد و حجاز آن را به آتش خواهند کشید!

۴ - راهکار چیست؟

نخست، همه ایرانیان همواره بایستی در مد نظر داشته باشند که نهاد و سرشت روضه خوانان، عوام زورمند و مذهبیون (چه داعش سنی/وهابی باشد و چه داعش شیعه)، با دروغ، پلیدی، دورویی و فریبکاری نهاده شده است و به هیچ رویی حتا به یک واژه که از دهان این عده برون می آید نبایستی باور یا اعتماد کنند. این عده نه نماد اهرمن، بلکه خود اهرمن می باشند. از آن روی، هر قوی که این عده در نگهداری پیکر رضاشاه می دهند، "دروغ محض" و سرانجامش همانند قول هایی خواهد بود که در چهار دهه گذشته به ملت ایران داده و بدان ها عمل نکرده اند!

بنابراین، تا زمانی که پیکره مومیایی رضاشاه در ایران و در چنگال روضه خوانان باشد، خطر نابودی آن هر روزی که می گذرد، بیشتر خواهد شد. از آن روی ملت ایران بایستی خواهان آن شوند که رژیم، پیکر رضاشاه را به یکی از سفارت خانه های بیگانگان در ایران از جمله سفارت سوئیس در تهران تحویل دهد تا خاندان پهلوی پیکر او را در کشوری ا جمله مصر و در کنار فرزندش به امانت بگذارند. باشد که روزی نه چندان دور، پس از سقوط رژیم خونخوار و سرسپره روضه خوانان و آزادی ایران، بار دیگر آن بزرگمرد به خاک وطن بازگشته و آرامگاهی در خور و شایسته او پیا شود.

۵ - پایان سخن: هشداری به روضه خوانان!

در پایان، هشداری به رژیم روضه خوانان! نه آنکه هشدار این نگارنده باشد، بلکه هشدار تاریخ است: تاریخ همیشه تکرار می شود و هیچ کس یا نیرویی توان جلوگیری از تکرارش را ندارد!

روضه خوانان و رژیم غوغاسالارشان به همراه عوام زورمند، مزدوران بیگانه و همه ایرانستزان بایستی بفهمند که "رضاشاه" امروز بزرگ تر از هر زمانی و برای ملت ایران مبدل به یک "آرمان"، "نماد" و "ایدئولوژی ملی" شده است. او نه محدود به یک پیکر خاکی ست و نه زمان و همانگونه که کورش بزرگ، با پیکر و بدون پیکر خاکی، "پدر ایرانزمین و ایرانیان" است، رضاشاه بزرگ نیز با پیکر و بدون پیکر خاکی، "پدر ایران نوین" است. او در درون کیان و هستی "ایرانزمین" جای داشته و در مغزها و قلب های همه ایرانیان راسخین زنده و متبلور است؛ بنابراین، حتا پیکر او را هم نابود سازند، نه تنها خدشه ای به او وارد نخواهد شد، بلکه ملت ایران را نسبت به خود خشمگین تر خواهند ساخت! ولی ... یک مساله دیگری را همه روضه خوانان بایستی بفهمند، که "انتقام" همانند "احترام"، یک خیابان دو طرفه است و اگر مایل نیستند، ملت خشمگین ایران در آینده، در انتقام پیکر رضاشاه، همه گورهای روضه خوانان از جمله روح الله خمینی و همه علمای شیعه و حتا قدیسین آنان از جمله امامزاده ها و گورهای رضا در مشهد و زهرا در قم را زیر و رو نکنند و استخوان های آنان را نسوزانند و یا در حوضی از کربوران اسید فرو نکنند، تا هیچ اثری از آنان باقی نماند، بایستی امروز به خواسته ملت ایران که نگهبانی از پیکر رضاشاه است، احترام بگذارند.

فروغ اهورایی، همواره پاسدار و نگهبان ایرانزمین و ایرانیان باد.

شاپور سورنپهلو

چه بر سر پیکر رضاشاه خواهد آمد؟

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
چهارشنبه ۰۵ ارد بهشت ۱۳۹۷ ساعت ۲۰:۳۲

روز خرداد از ماه اردیبهشت سال ۳۷۵۶ بهدینی

۲۵ آوریل ۲۰۱۸ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

۱ - خسرو معتضد: جنازه رضا شاه در مصر است: <http://goo.gl/2Mujqj>

۲ - سورنپهلو، شاپور، "دشنام «پدر سوخته»، دروغ تاریخی دیگر برای ناسزاگویی به جامعه زرتشتیان"

۳ - عبدالله شهبازی از اعضای پیشین حزب توده و جاسوس اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی در ایران بود که امروزه مبدل

به حزب الهی شده است. ایرانستیز و پانز-عریست نامی، عبدالناصر بنی کنعان (معروف به ناصر بناکننده و ناصر پورپیرار)، که او هم با عضویت در حزب توده و جاسوسی برای روس ها، از دوستان نزدیک عبدالله شهبازی بود.

۴ - عبدالله شهبازی: مومیایی منسوب به رضا شاه شیادی است: <http://goo.gl/ivUVnZ>

۵ - <https://pbs.twimg.com/media/DbkE8enXcAAswLr.jpg>

۶ - خاطرات خلخالی، نشر سایه، جلدی ۱، برگ های ۳۴۲-۳۴۷

۷ - <http://telegra.ph/-04-25-4>

۸ - <https://telegram.me/ahangaranchannel>

چه بر سر پیکر رضاشاه خواهد آمد؟

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ ساعت ۲۰:۳۲

